

کلاغ‌های خبر چین
در کالری مؤده

نمایشگاه گروه هنری آمیدا بانام «کلاغ»: ۲۰ تصویر ۲۰ روایت» این روزها در گالری مؤده به تماشااست. به گزارش هنر آنلاین، گرچه تنوع زاویه نگاه‌ها به کلاغ در این نمایشگاه بسیار زیاد است، دقت در آنها وجه مشترک میان کارها را آشکارتر می‌کند. اشتراکاتی که احتمالاً ناشی از مباحث گروهی هنرمندان آمیدا در حوزه پیشینه سوزده است. به همین دلیل، تقریباً همه آثار پارافراتر از ثبت درونیات هنرمند گذاشته و در پس خود قصه‌ای روایت می‌کنند.

«فتح باغ سرخ» یکی از این آثار است که با تکنیک چاپ دیجیتال و در ابعاد و مختصات یک گلیم اجرا شده است. این اثر با الهام از شعر فتح باغ اثر فروغ فرخزاد کار شده است. «زمین خسته» اثر عطیه ضیغمی، یکی دیگر از آثار زیبایی‌نمایشگاه است که با تکنیک میکس مدیا کار شده است. هنرمند در این اثر که بر زمینه سفید نقاشی شده، کلاغ را نشسته بر بالای سر زنی از جنس گیاه و طبیعت نقاشی کرده است.

یکی دیگر از ویژگی‌های کلاغ در قصه‌های ایرانی، خبر پراکنی است. به همین دلیل است که صدای کلاغ همواره با آرزوی خوش‌خبری همراه است. تابلوی «کلاغ‌خبر آورده‌اند» در یک فضای سورئال درخت و انسان را ترکیب کرده تا کلاغ‌ها بر فراز سر انسان‌ها، به نوعی خبر از محتویات ذهنی بشر بدهند. شگون و بدشگونی کلاغ در مناطق مختلف دنیا از جذابیت‌های فرهنگ عامه است؛ دو تابلوی «کلاغ و لیسک» که با تکنیک مداد شمعی و اکرولیک، فضای مهتاب‌گونه‌ای خلق کرده‌اند، با استفاده از سنگ‌های چشم‌نظر سعی کرده‌اند موضوع بدشگونی کلاغ را پیش روی مخاطب بگذارند.

اما حضور طبیعت و افسانه تنها وجه آثار این نمایشگاه نیست. فضاهای شهری نیز در آثار برخی از هنرمندان دیده می‌شود. مانند تابلوی که کلاغ‌ها را روی سیم برق نشان می‌دهد و یا کلاغ‌هایی با هیبت انسان که دست به سینه و سر در گریبان، در میان ساختمان کم و بیش محو شده‌اند. تابلوی «ربانندگان نور» که با تکنیک میکس مدیا کار شده است به نوعی به فضاهای کلاسیک نقاشی اروپا کنایه می‌زند.

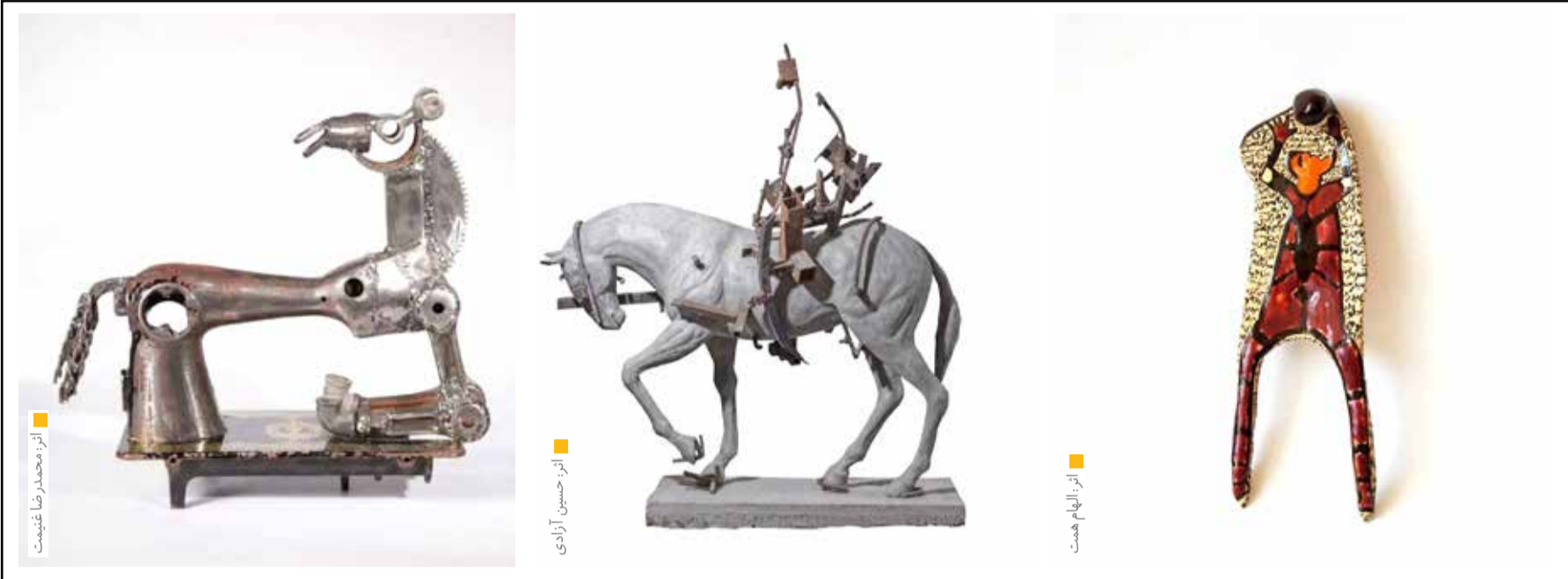
در این نمایشگاه، سه تابلو با عنوان «کین آمدن از کجا و رفتن به کجاست؟» پیش از باقی آثار از سوزده عبور کرده و در واقع نگاه هستی‌شناسانه‌تری به چرخه حیات در ذهن هنرمند دارد. سزار نوروز کرمانشاهی این آثار را خلق کرده است. در این میان آثاری نیز وجود دارند که سویی رنگارنگ و به نوعی شاد آنها به موضوع، آنها را به تصویرسازی نزدیک تر کرده است. همان‌طور که برخی هنرمندان به نگارگری ایرانی نظر داشته‌اند.

محسن رزاقی، سرپرست گروه هنری آمیدا، درباره این نمایشگاه گفت: دو سال و نیم پیش سوزده کلاغ را در گروه عنوان کردیم. در فرهنگ‌های مختلف اسطوره‌های زیادی درباره کلاغ وجود دارد که با باور عمومی مردم خیلی اختلاف دارد. این تناقض باعث شد که اعضا به آن علاقه‌مند شوند و هر کدام دیدگاهی به مساله بپردازند.

او درباره تجربه کار گروهی در این سطح گفت: روزی که شروع کردیم بچه‌ها با سوزده غریبه بودند. بعداً به قصه‌های عامیانه و اسطوره‌ها مراجعه کردیم و دیدیم که ابعاد گسترده‌ای وجود دارد. به همین دلیل هر کس تم شخصی خود را پیدا کرد و روی آن کار کرد و روایت شخصی خودش را بیان کرد. مطالعه در این زمینه برای ما مهم بود و علاوه بر کتاب‌هایی که یافتیم خود هنرمندان هم در زمینه مورد علاقه‌شان جست‌وجو کردند. هر کس ذهنیت خودش را داشت و بسته به آن به پرورش ایده‌اش پرداخت. حدود یک سال طول کشید که کار به جایی برسد که بتوانیم شمایی کلی از آثار را در اختیار گالری مؤده قرار دهیم.

نگاهی به نمایشگاه‌های مجسمه سه هنرمند در گالری‌های تهران

عبور از تلقی‌های مرسوم مجسمه‌سازی



آثار الهام همت

آثار حسین آزادی

آثار محمدرضا ضغنیمت

برگزیده است. همانطور که اشاره شد هنرمند در این رویکرد به وضوح تأکید بر خصلت‌های مترپال مجسمه‌ها بریز می‌کند و ویژگی‌های مواد سازنده حجم‌ها را با لایه‌هایی از رنگ و در حقیقت مترپالی دیگر می‌پوشاند. نقاشی و حجم در اینجا خصلتی تلفیقی به آثا و می‌بخشد که شاید اصلی‌ترین ویژگی آثار هنرمند را در این تجربه شکل داده است.

بینابینی در واقع‌نمایی
و انتزاع‌گری

نمایشگاه محمدرضا ضغنیمت با عنوان «خیال‌های آهنی» از دیگر نمایش‌های آثار مجسمه در این روزهاست که در نگارخانه پل به نمایش درآمده است. هنرمند در این مجموعه رویکردهایی متفاوت از یکدیگر را دنبال کرده که هر یک به جلوه‌هایی گوناگون از اثر حجمی منجر شده است. به‌طور کلی آثار هنرمند در این نمایشگاه را می‌توان در دو دسته شناسایی کرد. یکی از این رویکردها مجسمه‌سازی به شیوه اسمبلاژ است که طی آن تکه‌ها و قطعه‌هایی از اشیاء مختلف در کنار هم به اثر هنری مورد نظر هنرمند را شکل می‌دهند. برای نمونه قطعه‌ای از یک چرخ خیاطی، تکه‌ای از یک اره ماشینی و اشیائی از

این دست‌با در نظر گرفتن ویژگی‌های فرمی هر یک از این‌ها با متصل شدن به یکدیگر به شکل گرفتن پیکره یک اسباب‌انجامیده است. واضح است که این دست تجربه‌های هنرمند که مشخصاً با خصلت‌های هنر مدرنیستی نزدیکی پیدا می‌کند، به لحاظ زیبایی‌شناسی نیز از تصویر واقع‌نما فاصله می‌گیرد و در رویکردی انتزاعی ساختار خود را شکل می‌دهد. گونه دیگر تجربه‌های حجمی محمدرضا ضغنیمت در این نمایشگاه اما از تلقی دیگری در حجم‌سازی می‌آید که متفاوت از دسته دیگر شناسایی می‌شود. هنرمند در این تجربه‌ها اگرچه باز هم از تکه چسبانی اجزایی ریز تر به تمامیت فرمی مجسمه می‌رسد، اما اجزای این دسته از حجم‌هایش این بار همه از یک جنس و فاقد تکرر بصری است. در این رویکرد هنرمند از حیث ماهیت شکلی ارجاعاتی با مجسمه‌های کهن را به میان می‌کشد که باز هم با دسته دیگر آثار او در نمایشگاه که خصلتی انتزاعی دارند، تفاوت‌های هویتی می‌یابند.

عدم قطعیت

و تمام‌ناشدگی اثر هنری

نمایشگاه حسین آزادی با عنوان «خاللی از خیال» در گالری اعتماد ۲، در رویکردی متفاوت از مجموعه‌هایی

که پیش از این اشاره شد، اساساً در ماهیتی مفهوم محور و مفهوم ساز و نه هنر مفهومی - به مخاطب ارائه می‌شود. هنرمند در اینجا بیش از همه بر تمامیت حجمی مجسمه‌هایش متمرکز است و در بخشی از ساختار این مجموعه، مجسمه را به عنوان مابه‌ازایی از تصویر واقعی بازنمایی می‌کند. پیکره اسب و نیم تنه انسانی در اینجا هم به عنوان موجودیت‌های مرکزی این آثار کماکان در ساختار مجسمه‌ها برجسته و مؤکد به نظر می‌آیند؛ هر چند افزونه‌ها و عناصر دیگری هم به آن‌ها الحاق شده

یابخششی از موجودیت آثار را شکل داده است. جنبه‌های مفهوم‌سازی آثار حسین آزادی در این مجموعه از همین ساختار دوگانه می‌آید. به این ترتیب هنرمند در عین آنکه حجم‌های کامل و پرداخته شده‌ای را در مرکز اثر بازنمایی می‌کند، نوعی از ناتمامی را هم در کلیت آثارش را هم نشان‌گذاری می‌کند که نشان دهنده نوعی عدم قطعیت فرمی و چندگانگی ماهیت آثار اوست. در یکی از این آثار که پیکر اسبی با وضوح و بازنمایی واقع‌گرایانه در مرکز آن نشانده شده، هنرمند اسکلت بندی فرم دیگری را بر آن سوار کرده که قرار بوده پیکر سوار کار را بر روی اسب شکل

بهر روز فانیان

آثار هنرمندان مجسمه‌ساز نسل‌های نوفارغ از اینکه در چه کانتکست یا زمینه‌ای خلق می‌شوند، خواه ناخواه واجد ویژگی‌هایی هستند که موقعیت مجسمه‌سازی امروز ایران را ترسیم خواهد کرد. اگر چه معدود بودن هنرمندانی که این‌مدیوم را در آفرینش هنری برگزیده‌اند به همین ترتیب دامنه نگارنگ تجربه‌های حجم‌سازی را در این سال‌ها محدود جلوه می‌دهد، اما طیف‌های متعدد تلقی‌ها و دغدغه‌های این نسل‌ها از این رسانه هنری تا اندازه زیادی بر گونه‌گونی این تجربه‌ها در آنچه مجسمه‌سازی معاصر ایران می‌خوانیم افزوده است. در مروری اجمالی بر نمونه‌هایی از تجربه‌های آفرینش حجم در میانه هنرمندان نسل نوبه به نظر می‌رسد کلنجار رفتن با تلقی‌های مرسوم از مجسمه‌سازی شدت بیشتری گرفته و نوعی گذار جمعی در این ارتباط در جریان است. این روزها بر گزاری سه نمایشگاه همزمان آثار حجمی سه هنرمند در نگارخانه‌های تهران فرصتی را فراهم کرده تا بتوان در بخشی از تجربه‌های تازه در آثار مجسمه‌سازان جوان ایران تأمل کرد.

نمایشگاه

نقدی بر نمایشگاه «استنساخ» آرام مسلم زاده در گالری کاما

نمایشی از گرم و سرد انسان‌های قجری

کاملیا کوکابیان

در نگاه اولیه آثار آرام مسلم زاده را می‌توان بر اساس فرم به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول، آثاری کاملاً شبیه نقاشی‌های قجری و چهره‌هایی که بیشتر از هر چیز باز یور آلات و سر بند و تاج خود را معرفی می‌کنند و چه بسا که ابعاد بزرگ‌شان این ریزه‌کاری‌ها را با دقت بیشتری نشان می‌دهد و بیننده را مسحور بافت‌های زیبا و رنگین لباس‌ها و پرده‌ها و تاج‌ها می‌کند و این لذت‌بصری در عصر ما تا این حد حاصل نمی‌شد جز با دقت آرام مسلم زاده در انتخاب مناسب رنگ‌های متعدد گرم‌رونده که گاه با انتخاب زمینه سبز و آبی، آثار را از یکنواختی قرمز قجری در آورده است. حذف پیکرهای خشک و استوار قاجاری و پرداختن صرف به چهره‌ها از سردی و جمود آن دوره به خوبی کاسته است. در دسته دوم، چهره‌ها در زمینه‌ای تک رنگ به میزان زیادی محو شده اما حفظ فرم چشم و ابرو به خوبی نمایانگر زن قجری است و در زمینه‌ای متفاوت میل به نقاشی‌های مدرن دارد. در گروه سوم نقاش با حذف هر عنصر تزئینی صرفاً به چهره مشخصه آن دوره پرداخته و با مهارت برای این منظور با زمینه تک‌رنگ آبی برای چهره‌ها هم‌روز و حدودی مشخص کرده و خشکی و سردی این چهره‌ها را بیش از پیش نمایان می‌کند. در کل آثار نگاه‌های خیره‌و صورت‌هایی در بند یک فرم بانسان از آرمان‌گرایی انسان‌بی‌شابهت به عکس‌های سلفی زنان و دختران امروزی در محیط‌های مجازی نیست. رنگ‌ها به میزان زیادی محو شده اما حفظ فرم چشم و ابرو به خوبی نمایانگر زن قجری است و در زمینه‌ای متفاوت میل به نقاشی‌های مدرن دارد. در گروه سوم نقاش با حذف هر عنصر تزئینی صرفاً به چهره مشخصه آن دوره پرداخته و با مهارت برای این منظور با زمینه تک‌رنگ آبی برای چهره‌ها هم‌روز و حدودی مشخص کرده و خشکی و سردی این چهره‌ها را بیش از پیش نمایان می‌کند. در کل آثار نگاه‌های خیره‌و صورت‌هایی در بند یک فرم بانسان از آرمان‌گرایی انسان‌بی‌شابهت به عکس‌های سلفی زنان و دختران امروزی در محیط‌های مجازی نیست. نقاش‌هایی که سعی در پنهان کردن حالات روحی متفاوت انسان دارد و نقاش، این زیبایی تکراری و از پیش تعیین شده را با حذف موهای پشت لب و دماغ‌های باریک و غنچه‌لب‌ها به

نقدی بر نمایشگاه انفرادی محمود آزاد نیاد در گالری ثالث

نمایشی عریان از انسان زیاده‌خواه

شبه‌لما مچری

اخیراً گالری ثالث ۱۱ تابلو از آثار محمود آزاد نیاد با عنوان «طبیعت انسان» به نمایش گذاشت. تابلوها بدون عنوان هستند و هیچ توضیحی در کنار اثر مشاهده نمی‌شود. چیدمان تابلوها تا حد زیادی در ارتباط با هم و شکل روایت گونه‌ای به خود گرفت و نقاشی برای خلق آثارش از مدل زنده و طبیعت بهره جسته است. در وهله اول، فضای سرد و بی‌روح تصاویر نظر مراً به خود جذب کرد رنگ‌های سفید، خاکستری، آبی، بنفش و... به رنگ‌های اندک گرم، چیره شده است. این اقدام باعث شده حس رکود، و خنثی بودن را به مخاطب منتقل کند. نقاش، موضوع انسان و زیاده‌خواهی‌اش را به نمایش گذاشته. انسانی که گاه برهنه و گاه نیمه برهنه است و سوزده تقریباً در مرکز تابلو ها قرار دارد. فیگور هادر چند حالت ایستاده، نشسته و خوابیده نشان داده شده است. انسان زیاده‌خواه، از یک نقطه‌ای به بعد دنبال چیزهای غیر ضروری می‌رود. به اصطلاح در پی چسباندن یک سری اضافات به خود و زندگی‌اش است. رسیدن به نقطه دلخواه، او را به تحمل هر گونه رنج و سختی وامی‌دارد. اما این نشانه‌ها هرگز وجود ندارد. چرا که حس زیاده‌خواهی بشر را نقطه پایانی نیست. بشر منهای لباسش، بشر بدوی است. در مسیر پر تلاطم اجتماعی شدن خیلی چیزها از جمله لباس به انسان اضافه می‌شود. محمود آزاد نیاد با حذف هر آنچه که به طور کاذب باعث کسب اعتبار و غرور انسان است به رویارویی با جهان مدرن می‌رود. برای رسیدن به این منظور، بدن‌ها را بدوی می‌کشد. سوزده به خاطر ممیزی‌ها، مردان است. مردی



نیمه‌عضلاتی که به جزئیات بدن و چهره‌ها و آگاهانه اشاره نشده است. مناظر را سرد و بی‌جان می‌آفریند. از خطوط محو و مبهم استفاده می‌کند و تأکیدی به هیچ چیزی که حواس مخاطب را پرت کند ندارد. شاید به همین خاطر روی آنها را با گلیر می‌پوشاند تا بتواند تصاویر کم‌واضحی را ارائه دهد. تنهایی، تقلو و گاه ترس را می‌توان در اثرها دید. در تصویر سوزده نیمه برهنه طناب‌هایی را دور تنه درختی خشکیده انداخته و می‌خواهد آثار ریشه در آورد و در جایی دیگر همان مرد، بدون هیچ‌یزاری در حال شکستن تخته سنگ است. در سایر آثار، فیگور یا حالت جنین را به خود گرفته و یا خسته‌از فعالیت‌های سخت دراز کشیده است. زمانی نیز حالت کلافه گی و استیصال را القاء می‌کند. در تابلوی دیگر، انسان را در حال کابوس دیدن نشان داده اما بیننده شاید بدون توضیح نقاش اصلاً متوجه منظور او نشود. آفریننده آثار در بیانیه‌اش به موضوع انسان زیاده‌خواه اشاره کرده است. اما فقط در دو اثر این مفهوم را نشان می‌دهد. چنانچه مخاطب بدون دیدن بیانیه، شروع به تماشا کند، حس تنها بودن بشر در فضایی بی‌جان و عاری از موجود متحرک را بیشتر حس می‌کند.



مخاطب عرضه می‌کند. اما جالب است که این امر در مورد مردان نیز مستتر بوده تا جایی که شاهد صورت‌های زنانه آنان هستیم چرا که نقاش مرد آن دوره به اشتباه معیار‌های زیبایی‌پسندان خود را در مورد زنان به مردها تعمیم داده و گمان برده که اگر چنین کند بر جذابیت مردانه می‌افزاید که در باز آفرینی این آثار خانم مسلم زاده هم کاملاً این اصول را تکرار کرده است. بی‌شک در تابلوهای بزرگ و رنگین این هنرمند می‌توان زیبایی و نقوش مسحورکننده بافت‌های لباس و تاج و سر بند را دید و لذت برد اما سوالی که پیش می‌آید این است که آیا همین ثبات و یکنواختی چهره‌های قاجار نبوده که از رموز و چنین آثاری کاسته و میل به تماشای جست‌وجوگرانه بیننده‌ها را بین برده و جز لذت‌انی بصری حرفی برای جهانی شدن نداشته‌ایم؟ شاید اگر این همه زیبایی و ظرفیت‌های تزئینی به جای هم‌نشینی با چهره‌های یکدست و یکنواخت با چشم‌و صورت‌های متفاوت (شاید هم‌گین شاید شاد و گاه شوخ یا مضطرب) هم‌سایه می‌شد و یا اگر حتی بدن این زنان را با عطف بیشتر مثلاً در رقص‌های آن دوره به تصویر می‌کشید بر جذابیت و توجه لازم به این آثار در سطح جهانی می‌افزود و سخن تازه‌تری در دنیای هنر امروزی می‌بیان می‌کرد.